

ISFAHAN
CHAMBER OF COMMERCE
INDUSTRIES, MINES & AGRICULTURE



اتاق بازرگانی
صنایع، معادن و کشاورزی
اصفهان

نظرات تخصصی کمیسیون کشاورزی و صنایع وابسته اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان در خصوص اصلاح

مالیات بردآمد کشاورزی



عنوان گزارش: "نظرات تخصصی کمیسیون کشاورزی و صنایع وابسته اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان در خصوص اصلاح مالیات بر درآمد کشاورزی"
تهیه کننده: اتاق بازرگانی اصفهان، واحد امور کمیسیون ها (کمیسیون کشاورزی و صنایع وابسته)
انتشار: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان
اردیبهشت ماه ۱۴۰۳



مقدمه

سیاست‌های مالی و مالیاتی از طریق تصحیح و تثبیت فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های مختلف نه تنها به تأمین منابع مالی دولت بلکه به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کند. لذا اعمال صحیح سیاست‌های مالیاتی را می‌توان وسیله‌ای در جهت افزایش تحرک، پویایی و حرکت جامعه به سمت توسعه اقتصادی - اجتماعی تلقی کرد. از سوی دیگر اجرای سیاست‌های ناصحیح مالیاتی موجب ضعف بخش‌های مختلف اقتصادی و عدم تأمین منابع مالی دولت از این روش و کند شدن حرکت توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

نیاز کشور به تولید محصولات کشاورزی به علت رشد جمعیت و بالا رفتن تقاضا همواره در حال افزایش است. تأمین کمبودهای تولیدات داخلی از طریق منابع خارجی، به جز آنکه مبالغ هنگفتی از درآمدهای ارزی را به مصرف می‌رساند، موجب وابستگی بیشتر کشور به بازارهای تحت کنترل کشورهای قدرتمند می‌شود. با توجه به مسائل و مشکلات موجود در این بخش نظیر کمبود آب، خشکسالی، تغییرات نامشخص جوی، دانش کم کشاورزان و ناآگاهی‌های آنها در مورد فناوری کشاورزی، کمبود منابع لازم برای سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری نکردن بخش خصوصی به دلیل ساختار نامناسب اقتصادی، دیربازده بودن بخش کشاورزی و ریسک بالا، این بخش از رشد لازم برخوردار نبوده است. امروزه حرکت در مسیر دستیابی به هدف خودکفایی و رشد تولیدات داخلی بیشتر از طریق به کارگیری فناوری نوین کشاورزی امکان‌پذیر است، زیرا نه تنها مواد غذایی کشور تأمین می‌شود، بلکه بخش‌های دیگر اقتصادی از نظر مواد اولیه نیز تأمین خواهد شد. بنابراین دولت به دلیل اهمیت ملی این بخش، ملزم به اتخاذ سیاست‌های مناسب حمایتی و تشویقی است، نظیر معاف شدن این بخش از پرداخت مالیات که چند سالی است اجرا می‌شود.

تبعات وضع مالیات بر بخش کشاورزی

بخش کشاورزی با توجه به اهمیت در امنیت غذایی و آسیب‌پذیری بالا نیازمند حمایت‌های گوناگون است. به همین دلیل، فعالیت‌های کشاورزی بعد از انقلاب و در قانون مالیات‌های مستقیم از سال ۱۳۶۶ تا کنون به طور کامل معاف از مالیات بوده است. باید در نظر داشت که اعمال مالیات بر بخش کشاورزی تبعات زیر را خواهد داشت:



۱- این موضوع سبب اثر تورمی می‌شود که در خصوص اثر تورمی باید توجه داشت که صرفاً افزایش قیمت‌ها یا تورم حایز اهمیت نیست بلکه مسأله مهم‌تر تغییرات مصرف و در نهایت تغییرات رفاهی گروه‌های درآمدی است. زیرا این موضوع سبب کاهش مصرف خانوارها خواهد شد.

۲- افزایش شدید قیمت‌ها در بخش‌های کشاورزی به دلیل دریافت مالیات، موجب افزایش هزینه تولید در بخش‌های صنایع وابسته به کشاورزی شده و به تناسب تولید در بخش صنایع کشاورزی کاهش می‌یابد.

۳- از آنجایی که تولیدات کشاورزی پاسخگوی ضروری‌ترین و حیاتی‌ترین مصارف جامعه است و از سوی دیگر موجب کاهش وابستگی کشور به استکبار جهانی خواهد شد، لذا لزوم حمایت از این بخش کاملاً مبرهن است.

۴- هر اقدام بدون مطالعه در اخذ مالیات از کشاورزان اثرات جبران‌ناپذیری را بر معیشت خانوارهای آنها، تولید داخلی محصولات کشاورزی، خودکفایی محصولات اساسی و حفظ امنیت غذایی کشور خواهد داشت.

نتیجه گیری

از نظر اقتصادی، در تمامی کشورها از جمله در ایران، الزام و اخذ مالیات از کشاورزی جزء سخت‌ترین تصمیم‌ها برای کسب درآمد برای دولت‌هاست. به لحاظ نظری، دشوار بودن الزام مالیات بر کشاورزی بیشتر به دلیل ماهیت ریسک‌آمیز تولید در کشاورزی است، زیرا یک بنگاه خرد کشاورزی همواره با انواع ریسک مالی، ریسک بازار، ریسک محیطی و حتی ریسک ناشی از تغییرات قوانین و سیاست‌های دولتی سروکار دارد. دلایل دشواری اخذ مالیات از کشاورزان از نظر اجرائی در کشوری مانند ایران ابتدا به خرد بودن و پراکندگی جغرافیایی فعالیت‌های کشاورزی مرتبط است و در درجه دوم به خلأ اطلاعات مالی و حسابداری، تأییدناپذیری خوداظهاری‌ها و نیز وجود تنوع دریافت و پرداخت‌های یک کشاورز به اشکال غیرنقدی مرتبط است. به نظر می‌رسد عملکرد دولت به ویژه سازمان امور مالیاتی برای اخذ مالیات از کشاورزی بیشتر ناشی از الگوبرداری از کشورهای عضو «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)» است که در اقتصاد داخلی و همچنین در تبادلات اقتصادی بین خود، مدل‌های مالیاتی مشترکی را دنبال می‌کنند. در این کشورها، دغدغه مالیات‌های کشاورزی برای دولت‌ها کم است و یک دلیل آن، سهم جزئی کشاورزی در تولید ناخالص داخلی (GDP) آنهاست در حالی که در کشورهایی



مانند ایران سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی در پنج دهه گذشته در دامنه بین ۲۴ تا ۱۱ درصد متغیر بوده است و همین بخش از اقتصاد (کشاورزی) اغلب نقش تعیین کننده‌ای در مثبت ماندن و افزایش نرخ رشد اقتصادی کل اقتصاد در زمان تشدید تحریم‌های اقتصادی ایفا کرده است. تفاوت مهم دیگر بین کشاورزی در کشورهای عضو OECD با ایران به نقش مؤثر دولت‌های آنها در اصلاح نظام‌های بهره‌برداری و صیانت از کشاورزان در برابر انواع ریسک‌های مؤثر بر کشاورزی از طریق اعمال سیاست‌های قیمتی و بازارمحور، محافظت در برابر واردات، ثبات اقتصادی، حفظ ارزش پول ملی و همچنین موفقیت آنها در مقابله با نوسانات قیمت نهاده‌های کشاورزی برمی‌گردد.

دولت در صورتی می‌تواند به درآمدهای مالیاتی به عنوان منبع تامین مالی با ثبات متکی باشد که نخست فعالیت‌های اقتصادی به صورتی تنظیم شوند که کمترین اتکا و نیاز به ارز حاصل از فروش نفت را داشته باشد، دوم امکان تمرکز تمامی درآمدهای مالیاتی و همچنین یکسان و شفاف سازی عوارض فراهم شود. از سوی دیگر برای اخذ مالیات در مورد هر منبع درآمدی دو شرط مطرح است. یک شرط لازم که وجود منابع بالقوه مالیاتی است و دیگری امکان تجهیز عوامل مورد لزوم برای شناسایی و اخذ مالیات در داشتن توجیه اقتصادی و همسو بودن اخذ مالیات (از یک منبع خاص) با سایر اهداف و سیاست‌های دولت است. اعمال مالیات بر بخش کشاورزی باید در کشورهای پیشرفته و توسعه یافته که دارای سرمایه گذاری کلان در این بخش هستند و ارزش نهاده‌های سرمایه ای و خدمات مربوط به آن بالا است، پیاده شود.